

سمیرا جعفری

اینکه بتوان در هیاهوی انتخابات و البته همزمان با اکران فیلم «نهنگ عنبر ۲»، مخاطبان سینما را برای تماشای فیلمی متفاوت راهی سینما کرد کار سختی است. ولی «برادر خسرو» بواسطه سوژه متفاوتی که دارد و کاراکتری که شهاب حسینی آن را به نمایش گذاشته، توانست مخاطبان سختگیر این روزهای سینما را با خود درگیر کند. نخستین فیلم بلند احسان بیگلری که پیشتر تجربه همکاری با کارگردانی نظیر اصغر فرهادی را داشته، از آن دست تجربه‌هایی است که از او آموخته که به دنبال سبک خود باشد نه اینکه فیلمسازانی همچون او را الگوی عین به عین خود قرار دهد. بیگلری در نخستین ساخته خود تلاش کرده تا فیلمی به سبک و سیاق خود بسازد. فیلمی درباره دو برادر که یکی از آنها (شهاب حسینی) به بیماری روحی و روانی دچار است و حضورش در خانه برادر بزرگ تر(ناصر هاشمی) مشکلات فراوانی را به وجود می‌آورد. تا جایی که برادر بزرگ‌تر تصمیم غافلگیرکننده‌ای در خصوص خسرو می‌گیرد. فیلمنامه برادر خسرو را احسان بیگلری به همراه پریسا هاشم پور نوشته است و شهاب حسینی به همراه ناصر هاشمی، هنگامه قاضیانی و بیتا فرهی در آن ایفای نقش می‌کنند. با احسان بیگلری درباره علاقه‌اش به مسائل روانشناختی، خسرو، ناصر و انتخاب‌هایی که به آنها رسید گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

گفت‌وگوی «ایران» با احسان بیگلری کارگردان فیلم سینمایی «برادر خسرو»

تماشاگر را به تأمل دعوت کردم

■ اینکه در نخستین اثر سینمایی‌تان بحث بیماران روحی و روانی را پیش کشیدید از دغدغه‌های شخصی‌تان بود یا انگیزه دیگری داشتید؟ سوژه‌ای که در سینمای ما کمتر به آن پرداخته شده است.

دغدغه اصلی من سینماست.

این‌طور نیست که فیلم را برای این بسازم که مسائل روانشناختی را در آن مطرح کنم، اصلاً چنین انگیزه‌ای نداشتم. اصل ماجرا این بود که باید قصه مناسبی برای فیلم اولم پیدا می‌کردم که شبیه فضای خودم باشد و به لحتم، تجربه‌های شخصی‌ام و علاقه‌مندی‌هایم نزدیک باشد. یکی از موضوعاتی که همیشه به آن علاقه داشتم مسائل روانشناختی است و همان نکته که شما اشاره کردید - در سینما به این موضوع کمتر پرداخته شده است- انگیزه‌ام را بیشتر کرد. همچنین می‌خواستم موضوعی را برای نخستین اثر خودم انتخاب کنم که تاریخ مصرف نداشته باشد و صرفاً به مسائل روز اشاره نکند. در واقع برای جامعه کنونی باشد ولی در هر زمان قابلیت تماشا داشته باشد.

■ و چقدر با مابه‌ای از عینی چنین افرادی سروکار داشتید؟

در مسیر زندگی‌ام با چنین آدم‌هایی سروکار داشتم‌ام و افرادی که دچار مشکلات روانی هستند برای من و همین‌طور خانم هاشم‌پور مهم هستند. ولی هیچ‌گاه مشخصاً به یک بیمار روانی نپرداخته بودم.

■ چه شد که چنین بیماری را در دستمایه اثر خود قرار دادید. بیماری که کمتر کسی با آن آشناست؛ با مابه‌ای بیرونی آن برخورد داشتید یا تصمیم داشتید بیماری را معرفی کنید؟

اتفاقاً تصمیم نداشتم نام بیماری را مطرح کنیم، اما احساس کردم حالا که وارد این فضا می‌شویم اطلاعاتی هم از این بیماری به مخاطب بدهیم که فکر نکنند بیمار دو قطبی چیز عجیبی است. داستان فیلم هم بنا به اسم این بیماری رابطه دو قطبی بین دو برادر است. در واقع فضای دو قطبی جامعه ماست. هر چه جلوتر رفته بیشتر به این بیماری دو قطبی رسیدیم و اینکه این سوژه قصه را جذاب‌تر می‌کند. همچنین برای اینکه از کلیشه‌های بیمارهای روانی در سینما فرار کنیم این بیماری کمتر شناخته را در فیلمنامه آوردیم. در آثار سینمایی از یک بیمار روانی بیشتر برای یک فضای ترسناک استفاده شده ولی ما سعی کردیم به شیوه دیگری به این بیماری بپردازیم.

■ درست است. تا جایی که مخاطب در سینما خودش را جای خسرو می‌گذاشت و حتی به خودش می‌گوید نکند ما هم دچار چنین بیماری باشیم.

بله. ولی ما دیگر شبیه ماشین را نمی‌شنکیم. این شخص دیگر به مرز بحران رسیده است.

■ (خنده) درست است. ولی جنون‌های آتی گاهی گریبانگیر بسیاری از مردم در ظاهر عادی هم می‌شود.

دقیقاً طبق آمار به دست آمده حدود ۶۰ درصد مردم تهران به بیماری‌های روحی و روانی مبتلا هستند. نه اینکه حتماً بستری شوند ولی از این بیماری‌ها

■ فیلم با توجه به صحبت خودتان بیشتر بر پایه درام پیش می‌رود. به نوعی بیشتر از اینکه بیماری، سوژه فیلم باشد، بی‌مهری اهمیت دارد. و پرپرنگ کردن این بی‌مهری از طرف شما نشانگر این است که شما هم مانند اکثر مخاطبان حق را بیشتر به خسرو می‌دهید.

به نظر من افراد پایبند به اصول، طرفدار ناصر هستند. افراد قاعده‌مند که با قاعده خاص خودشان محبت می‌کنند؛ رفتار می‌کنند... به نظرم چنین افرادی موافق سیستم ناصر هستند. چنین آدم‌هایی زیاد هم هستند. ما در کشورمان فاشیسم کم نداریم.

ولی با این اوصاف معتقد ناصر هم درگیری‌های خودش را دارد. آدمی است با وسواس‌های فکری خودش

هر بازیگر رنگ خودش را دارد آقای هاشمی هم با حضورشان رنگ دیگری به نقش دادند و به نظر بعد از سال‌ها که حضور کمتری داشتند، نقش آفرینی خوبی کردند.

■ در صحنه‌هایی از فیلم، به نوعی قصد داشتید ناصر را یک بیمار روحی نشان دهید. چرا بیشتر روی این قضیه مانور ندادید؟

بیماری ناصر به آن معنا پررنگ نیست که مانند خسرو سال‌ها دارو مصرف کند. ناصر دچار بیماری‌های پنهان است مانند خیلی از آدم‌های روشنفکر یا دیکتاتور روشنفکر که در ظاهر زندگی خوبی دارند یا مدیران خوبی هستند ولی از درون مشکلات زیادی دارند و متوجه نیستند که سیستم شان؛ اطرافیان را آزار می‌دهد، چنین افرادی در

تماشاگر به جای اینکه خیلی درگیر هیجانات فیلم شود، بیشتر فکر کند. قطعاً می‌توانستیم روی صحنه‌های مختلف خیلی مانور دهیم ولی این کار را نکردیم و متوجه هستم که مقداری از جذابیت‌های فیلم کم شده است. شاید می‌توانستیم هر پنج دقیقه مخاطب را با یک اتفاق روبه‌رو کنیم.

■ گزینه‌هایی هم داشتید؟

بله مثلاً ما به سقط بچه میترا هم فکر

کردیم. حتی مخاطب هم تا پایان فیلم انتظار چنین چیزی را می‌کشید. بخصوص در صحنه رانندگی میترا و دعوی دو برادر. شاید به این علت مخاطب حق بیشتری به ناصری داده‌ام فکر برادرش بیفتد.

ببینید این قتل خیلی عمدی نبود. به نوعی ناصر دچار جنونی می‌شود و اگر



شهاب حسینی، هنگامه قاضیانی و ناصر هاشمی در صحنه‌ای از «برادر خسرو»؛ عکس: علی نیک‌انگشت

نمی‌خواستیم این راز را کسی غیر از خسرو بفهمد. اگر هر شرایط دیگری پیش می‌آمد باز هم تنش‌ای ایجاد می‌شد و ما می‌خواستیم آنجا پایانی برای این تنش باشد.

■ البته که غافلگیرکننده بود ولی قطعاً خودتان نسخه‌های دیگری در ذهنتان داشتید؟

بله. مثلاً به این فکر کردیم که این فیلم را ناهید- خواهرشان- می‌دید و کار به دادگاه و شکایت می‌رسید. ولی اینها را حذف کردیم که فرم اصلی کار از بین نرود و خانواده از هم نباشد. در نهایت این خسرو است که تصمیم می‌گیرد قصه را چطور تمام کند. ولی رابطه‌شان قطعاً به یک تلخی بی‌پایان می‌رسد.

■ کسانی که دچار این بیماری هستند تمایل زیادی به روابط جنسی دارند چرایی این بخش خسرو هیچ پارتنری در نظر نگرفتید؟ مثلاً یک همسر؛ قطعاً مردی که به سن چهل سالگی رسیدن یا زودتر خانواده‌است.

این موضوع را در فیلمنامه اعمال کردیم که متأسفانه قبل از رسیدن به مرحله تولید سانسور شد. هم خشونت کار

بیشتر بود و هم به مسائل جنسی پرداخته بودیم که با ممیزی‌های وزارت ارشاد دستخوش تغییرات شد.

■ در تدوین هم حذفیات داشتید؟

خیر. فقط برخی از موسیقی‌ها یا ممیزی مواجه شد.

■ شهاب حسینی برای این نقش تغییراتی در فیزیکش داده بود؟ به نظر چاق تر شده‌است، بله لباس‌هایی که بایک کریمی (طراح لباس) و من با همفکری هم تن ایشان می‌کردیم به نوعی نشان فیلم نیستم و تلاشم را کرده‌ام و از این به بعد فیلم برای تماشاگر است.

■ این درد ورنجی که از آن یاد کردید دخالت‌های بیرونی است که به شما تحمیل شد؟ همه اینها دخیل است. گاهی اوقات

نقاش خسرو به ایشان فکر می‌کردیم. سینیاسی اولیه را هم در اختیار ایشان گذاشیم که خوششان آمد و در نهایت به گروه پیوستند و بخشی از سرمایه را برای ساخت فیلم با خود آوردند.

■ انتخاب ناصر هاشمی هم نظر شهاب حسینی بود؟

بله. در واقع تمایل داشتند که ایشان باشند. من هم فیلم را برای دو برادر با اختلاف سنی پایین‌تر نوشته بودم. برای همین کمی طول کشید تا بپذیرم آقای هاشمی نقش مقابل را با این اختلاف سنی بازی کند و بعد از قطعی شدن حضور ایشان فیلمنامه را بازنویسی کردیم و تغییراتی را اعمال کردیم که به نقش آقای هاشمی نزدیک شویم.

■ قرار بود نقش میترا با بازی هنگامه قاضیانی را هم ساره بیات بازی کند. چرا این اتفاق نیفتاد؟

خدا رو در خاطر قاضیانی در این فیلم هم حضور پیدا کرد. خانم بیات خودشان از گروه خارج شدند و من هیچ اصراری نکردم. ایشان در مقطعی ما را تنها گذاشت که زمان کمی برای جایگزینی داشتیم ولی خانم قاضیانی زانگنه کردند و ما را در این طرح همراهی کردند.

■ شما پیش از این با کارگردان‌های متعددی از جمله کیورتم پور احمد و اصغر فرهادی کار کرده بودید. اصغر فرهادی این روزها الگوی تمام عیار برخی از کارگردان‌های جوان شده است. چقدر تلاش کردید که ردپای این کارگردان در اثر شما دیده نشود؟ از فضای فیلمسازی ایشان دور شوید؟

خیلی زیاد. این روزها کل سینمای ایران تحت تأثیر سینمای اصغر فرهادی است و خیلی‌ها فیلم‌های متوسطی می‌سازند که می‌خواهند در مسامحه آثار اصغر فرهادی باشند. خوب دوست نداشتم چنین اتفاقی بیفتد. این همه سال تلاش کردم تا به نقطه‌ای برسم که فیلم خودم را بسازم. این را آموختم که سبک خودم را در آثار داشته باشم. ■ ظاهراً فیلمنامه جدیدتان هم با محوریت بیماری‌های روانشناختی است. بله. در حال حاضر مشغول کار روی فیلمنامه جدید هستیم که قصه‌ای پر هیجان و متفاوت دارد. اگر نگاهش فیلمنامه آن به اتمام برسد پایان سال کلید می‌خورد.

آشفته‌گی‌های دو قطبی در چارچوب واقع‌گرایی



بابک کریمی طاری
طراح لباس

نخستین چیزی که بعد از خواندن فیلمنامه‌یادم هست شغف فراوان بود چون فیلمنامه بسیار من را تحت تأثیر قرار داد. همیشه زمان خواندن فیلمنامه ذهنم درگیر تجسم فضاهای مرتبط به لحاظ بصری در راستای روند فیلم از حالت عادی شخصیت پردازی، خوشبختانه آنقدر اطلاعات و تحقیقات احسان بیگلری در مورد دو قطبی‌ها زیاد بود که به کمک من آمد. من تا قبل از این فیلم

در مورد دو قطبی‌ها اطلاعات کمی داشتم و در کل با ایشان جلسات بسیاری در مورد کل فیلم داشتم. همچنین برای من بیمار بودن شخصیت اصلی بسیار غم‌انگیز بود. اما وظیفه‌ی طراح

کمک به روند فیلمنامه در جهت القای مفاهیم به مخاطب به لحاظ فرم گرای و بصری است. در بخش لباس، تنوع برای مخاطب به لحاظ بصری برای ارتباط برقرار کردن خوب نبود و هم بی‌مورد تعویض کردن مضر.

شخصیت اصلی علاقه‌مند به موسیقی و هنر بود و این موضوع در نوع پوشش مؤثر و شخصیت‌عبیانگرش اجازه آنکادر شدن

را نمی‌داد اصلاً فرم کژوال (غیر رسمی) سازگارتر و قابل درک‌تری نسبت به فرم رسمی داشت. سعی کردم آشفته‌گی درونی شخصیت را با توجه به آناتومی بازیگر با انتخاب فرم و

برخی موقعیت‌ها رفتارهای غیرمعمولی از خودشان بروز می‌دهند.

ناصر هم با خوردن قرص خواب و اگر ما در خانه چنین صحنه‌هایی مجبور می‌شدیم، همه چیز گل درشت می‌شد.

■ پس عامدانه هیجان را از فیلم دور کردید؟

درست است. می‌خواستیم این تجربه را داشته باشیم که آیا می‌توانیم روایت این دو برادر را که به شکل اجباری به همزیستی دو هفته‌ای که به یک ماه می‌رسد آرام آرام به یک بحران شدیدتر در پایان برسانیم، ولی روند فیلم به سمت تماشگر...

ببینید ما تصمیم داشتیم روند فیلم آرام و متعادل شروع شود و کم‌کم از این حالت خارج شود. خیلی دنبال این نبودم که فیلم تنش داشته باشد. بر عکس فیلم کوتاه‌کم که پر از تنش است. در این فیلم عامدانه ترجیح دادم

تجربه‌های تلخی اتفاق می‌افتد که خود فیلم درد آور می‌شود. ولی فیلم خوشبختانه طرفدارهای خودش را دارد و آرام آرام هم بیشتر می‌شود. شاید فیلمی نباشد که همه مردم را درگیر کند ولی مخاطبانش دوستش دارند و حمایتش می‌کنند.

■ دوست ندارید از تجربه‌های تلخی که مطرح کردید حرفی بزنید؟

نه. به احترام سینمای ایران سکوت می‌کنم. ولی تشکر می‌کنم از سعید مکان که در ساخت این فیلم ما من همراه بود و کمک زیادی کرد. همچنین پریسا هاشم‌پور و همه عوامل پشت صحنه که برای ساخت این فیلم کمک کردند.

■ پایان‌بندی دیگری متفاوت از چیزی که در فیلم بود هم در نظر داشتید؟ با توجه به نوع بیماری خسرو و اتفاقی که برایش افتاد انتظار چنین پایان‌بندی‌ای را نداشتیم.